

بسم الله الرحمن الرحيم
واکاوی اعتبار سنجی خطبه فدکیه
در سنجهی معیارهای فریقین

چکیده:

خطبه‌ی فدکیه، سخنرانی حضرت صدیقه کبری(س) که در اندک زمانی پس از رحلت پیامبر(ص) و همزمان با غصب فدک ایراد شد، یکی از مهمترین دلایل و مدارک حقانیت اهل بیت(ع) در مسئله‌ی جانشینی پیامبر(ص) و بیانگر انحرافات جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر گرامی اسلام(ص) است. گروهی انتساب این خطبه به حضرت زهرا(س) را مورد تشکیک و انکار قرار دادند و آن را ساخته و پرداخته شیعیان دانسته‌اند. در این پژوهش با روشی تحلیلی-توصیفی تلاش شده است تا خطبه‌ی فدکیه با مبانی مورد پذیرش شیعه و اهل تسنن سنجیده شود. بررسی و تحلیل **جوانب گوناگون** این روایت نشانگر آن است که خطبه فدکیه از جهات **متعدد** دارای اعتبار است؛ این روایت علاوه بر آنکه در منابع معتبری همچون کتب اربعه شیعه نقل شده، در تعداد قابل توجهی از منابع کهن روایی-تاریخی اهل تسنن نیز، بازگو شده و دارای طرق متعدد و معتبر است. تحلیل محتوایی این روایت که به روش برون متنی صورت گرفته است بیانگر آن است که متن و مضمون خطبه نیز با شواهد تاریخی و روایی شیعه و اهل تسنن مناسبت دارد.

کلید واژگان: اعتبارسنجی روایات، خطبه فدکیه، حضرت فاطمه(س)، فدک.

مقدمه

"خطب" به معنای بازگرداندن کلام و "خطبه" کلامی است که به موعظه و اندرز اختصاص دارد.^۱ گفتاری رسمی و هیجان انگیز است که به منظور اقناع و تشویق گروهی به انجام یا ترک عملی ایراد می‌شود^۲ و محتوای آن ستایش خدا، نعت نبی و موعظه خلق است.^۳ خطبه‌خوانی در میان عرب جاهلی، جایگاه ارزشمندی داشت تا جایی که به عنوان یک رسانه‌ی عمومی، برای انتقال بسیاری از اطلاعات، ترویج عقاید و رسومات و فیصله دادن به نزاعها، از آن بهره می‌بردند.^۴ به همین جهت، هنگامی که رسول خدا(ص) به مقام

^۱ مفردات، ص ۲۸۶؛ مجمع البیان، ج ۲، ص ۵۱.

^۲ ترجمه نهج البلاغه، ج ۱۳، ص ۲۷۳.

^۳ لغت نامه دهخدا، ج ۶، ص ۸۶۲.

^۴ رک: المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۱۶، ص ۴۰۵.

رسالت مبعوث شدند، از این شیوه ارتباطی و رسانه‌ای، برای تبلیغ معارف و احکام اسلامی استفاده کردند^۵ در سالیان بعد نیز خطبه خوانی کما بیش همین رسالت را به عهده داشت و لذا امیرالمؤمنین(ع) و سایر ائمه نیز از این رسانه جمعی استفاده می‌بردند.^۶

فدک روستایی است در فاصله‌ی دو یا سه روزه با مدینه که نیمی از آن پس از فتح خیبر و انتشار خبر آن در میان یهودیان، در مقابل مصونیت فدکیان از حمله‌ی مسلمانان به پیامبر(ص) بخشیده شد. در منابع اهل تسنن - علاوه بر منابع شیعیان - آمده است که فدک به عنوان هبه از طرف رسول خدا(ص)، در اختیار حضرت فاطمه(س) قرار داده شد؛ در ذیل آیه‌ی «وَأْتِ ذَٰلِ الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ»^۷ ابوسعید خدری نقل می‌کند که هنگامه‌ی نزول این آیه، رسول الله(ص)، فاطمه(س) را خواستند و فدک را به ایشان بخشیدند.^۸ هدیه بودن فدک در گزارشات و مصادر دیگری از اهل تسنن نیز آمده است.^۹ اما پس از رحلت پیامبر(ص)، فدک از فاطمه(س) ستانده شد^{۱۰} و هنگامی که ایشان در صدد بازپس‌گیری فدک برآمدند، از ایشان شهودی بر هدیه بودن فدک درخواست شد و مطابق گزارش یعقوبی ایشان(س) علی(ع)، حسن(ع)، حسین(ع) و ام ایمن را شاهد آوردند^{۱۱} و بنا به نقل "فتوح البلدان"، "علی(ع)" و "ام ایمن" به نفع وی شهادت دادند^{۱۲} و در نقل دیگری شاهدان "ام ایمن" و "ریاح" آزاد کرده پیامبر(ص) معرفی شده‌اند^{۱۳} اما به هر تقدیر نه اقرار زهرا(س) پذیرفته شد و نه شهادت شهود.

برخی گزارشات علت بازنگرداندن فدک به زهرا(س) را فرمایش پیامبر(ص) که «نحن معاشر الانبیاء لانورث» بیان کرده‌اند^{۱۴} در حالی که افزون بر تفرد ابوبکر در نقل این روایت و سایر ضعفهای آن^{۱۵}، فدک به جهت

^۵ برخی تألیفات در جمع‌آوری خطب پیامبر(ص) به رشته‌ی تحریر درآمدند از جمله کتاب نوشته‌ی پیام پیامبر تألیف بهاء الدین خرمشاهی.

^۶ نمونه‌هایی از خطب امیرمؤمنان(ع) در نهج البلاغه گردآوری شده است.

^۷ اسراء: ۲۶

^۸ تفسیر القرآن العظیم، ج ۵، ص ۶۳؛ الدر المنثور فی تفسیر المأثور، ج ۴، ص ۱۷۷؛ شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۳۹؛ روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۱۵، ص ۶۲.

^۹ رجوع کنید به جلوه‌های تاریخ در شرح ابن‌ابی‌الحدید ذیل نامه ۴۵، ص ۸۹ به بعد.

^{۱۰} معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۳۸.

^{۱۱} تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۴۶۹.

^{۱۲} فتوح البلدان، ص ۴۰.

^{۱۳} همان.

^{۱۴} صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۵۲؛ سنن ترمذی، ج ۳، ص ۸۲؛ مستدرک حنبل، ج ۶، ص ۲۶۲؛ فتح الباری، ج ۱۲، ص ۱۶۳.

^{۱۵} برای اطلاع بیشتر از چگونگی نقد این حدیث، به مقاله‌ی ارزیابی حدیث نحن معاشر الانبیاء لا نورث نوشته‌ی قاسم بستانی، مراجعه شود. بستانی، ۱۳۸۶، ۸۱-۹۶.

هبه شدن آن در زمان حیات رسول خدا(ص)، تخصصاً از موضوع این روایت خارج است. این مسئله تا جایی روشن است که ابن‌ابی‌الحدید معتزلی می‌گوید: از علی‌بن‌الفارقی استاد مدرسه‌ی بغداد سؤال کردم که آیا فاطمه(س) در ادعای فدک صادق بود؟ پاسخ داد: بله. گفتم: چرا ابوبکر فدک را به او باز نگرداند در حالی که فاطمه(س) را صادق می‌دانست؟ لبخند زد و گفت: اگر آن روز به ادعای فاطمه(س) فدک را به او می‌داد، فردا می‌آمد و ادعا می‌کرد که خلافت از آن همسر است.^{۱۶}

حضرت زهرا(س) که بنابر اعتراف عایشه افضل مردم^{۱۷} و صادق‌ترین آنان پس از حضرت رسول(ص)^{۱۸} بودند جهت باز پس گرفتن حق خویش با گروهی از زنان راهی مسجد شدند و در آنجا خطبه‌ای ایراد فرمودند و فدک را مطالبه کردند که البته سودی نبخشید و فدک به ایشان باز پس داده نشد.^{۱۹}

خطبه‌ی فدکیه در فاصله‌ی بسیار اندک پس از رحلت رسول خدا(ص) و پس از دادخواهی نافرجام حضرت زهرا(س)، از ایشان صادر شد و علاوه بر تصریح به مالکیت فدک و غضب آن، مسائلی همچون فتنه‌ها، عهدشکنی‌های و انحرافات امت اسلامی پس از وفات پیامبر(ص) را به روشنی واگویی می‌کند و از این روی می‌تواند به عنوان یکی از مهمترین مدارک روایی- تاریخی بر حقانیت امامت و ولایت به شمار رود. محتوا و مضامین صریح و روشن این خطبه در کنار شخصیت و جایگاه ویژه‌ی فاطمه(س) در میان مسلمانان، موجب شده تا همواره صحت انتساب آن به فاطمه(س) جایگاه بحث، گفتگو و از سوی برخی مورد تشکیک و انکار باشد. از این رو پژوهش‌های حاضر برآن است تا پاسخ این پرسشها را بیابد که مهمترین منابع گزارش کننده از خطبه‌ی فدکیه در میان کتب معتبر روایی شیعه و به ویژه اهل تسنن کدام اند؟ جهاتی برای اعتبار طرق و اسناد خطبه‌ی فدکیه وجود دارد؟ محتوا و مضامین خطبه‌ی فدکیه با شخصیت حضرت زهرا(س) و وقایع عصر صدور آن سازگاری دارد؟ این پژوهش با شیوه‌ای تحلیلی-توصیفی و با بهره‌گیری از منابع روایی و تاریخی شیعه و اهل تسنن برآن است تا با بررسی و واکاوی مصادر، طرق و محتوای خطبه‌ی فدکیه در گزارشات شیعی و سنی، به دور از هر گونه پیش‌داوری، میزان اصالت این خطبه را مورد ارزیابی قرار دهد.

پیش از این پژوهش‌ها و آثار متعددی درباره‌ی خطبه فدکیه به رشته‌ی تحریر در آمده است که غالباً به شرح محتوایی این خطبه پرداخته‌اند. برخی نیز از جمله "سید عزالدین حسینی زنجانی" در شرح این خطبه به عنوان مقدمه برخی منابع و اسناد آن را بیان کرده‌اند اما به واکاوی و بیان میزان اعتبار این منابع و اسناد

^{۱۶} شرح ابن‌ابی‌الحدید، ج ۱۶، ص ۲۸۳.

^{۱۷} المعجم الاوسط، ج ۳، ص ۱۳۷.

^{۱۸} مسند ابی یعلی، ج ۸، ص ۱۵۲ - ۱۵۳.

^{۱۹} منابع خطبه فدکیه در آینده خواهد آمد.

پردازنده است. پژوهشهایی نیز در زمینه‌ی سند شناسی این خطبه انجام شده است. از جمله مقاله‌ی "نگاهی گذرا به اسناد و منابع خطبه فدکیه" تألیف حسین علی آذربادگان که به بیان منابع این خطبه و طرق متعدد و طبقات راویان آن پرداخته است اما میزان اعتبار اسناد و وثاقت راویان را طرح نکرده است. در "احادیث فدک فی مصادر الفریقین" نوشته‌ی محمد حیات انصاری نیز تنها به بیان منابع شیعی و سنی این خطبه پرداخته شده و جهات دیگر اعتبار مورد توجه قرار نگرفته است و مریم صفایی در مقاله‌ی "کتاب شناسی خطبه‌های حضرت فاطمه زهرا(ع)" تنها به ذکر مصادری با محوریت خطبه‌های حضرت زهرا(س) پرداخته است.^{۲۰} و هیچ یک از این آثار و دیگر آثاری که تألیف و تدوین شده‌اند در صدد واکاوی جهات گوناگون اعتبار این خطبه با در نظر آوردن مبانی پذیرش احادیث شیعیان و اهل تسنن نبوده‌اند و لذا مقاله‌ی پیش‌رو با چنینی منطقی و با طرح برخی موضوعات دقیق و جامع و با دیدگاهی مقایسه‌ای به بررسی اعتبار این خطبه پرداخته است.

۱- بررسی انتساب خطبه‌ی فدکیه به دیگران

گروهی انتساب خطبه به حضرت زهرا(س) را مورد تشکیک و انکار قرار داده و آن را از خطب حضرت علی(ع) و یا شخصی به نام "ابوالعیناء"^{۲۱} دانسته‌اند.^{۲۲} این در حالی است که انتساب این خطبه به "ابوالعیناء"، قابل دفاع نیست؛ چرا که "زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابیطالب" می‌گوید: من پیرمردان آل ابوطالب را دیدم که این خطبه را از پدرانشان نقل می‌کردند و به پسرانشان می‌آموختند. خود من نیز این حکایت را از پدرم و جدّم شنیدم. بنابراین شیعیان قبل به دنیا آمدن جدّ ابوالعیناء، آن را نقل می‌کردند و به یکدیگر می‌آموختند.^{۲۳} در حالی که ابوالعیناء هم‌عصر با متوکل و در قرن سوم هجری می‌زیسته است.^{۲۴}

انتساب آن به حضرت علی(ع) نیز پذیرفتنی نیست؛ گر چه در نزد شیعیان، به جهت مقام عصمت، کلام آن حضرات از حجیت یکسانی برخوردار است و در نظر اهل تسنن به جهت اعتقاد به عدالت صحابه، سخن علی(ع) و فاطمه(س) با ارزش گذاری یکسانی پذیرفتنی است اما تمامی قرائن و شواهد، انتساب آن را به حضرت علی(ع) رد کرده و صدور آن را از حضرت صدیقه‌ی کبری تأیید می‌کند. در هیچ نقل و منبعی دیده نشده که سند خطبه به علی بن ابی طالب(ع) ختم شود. افزون بر آنکه در برخی از نقلهایی که از طریق اهل

^{۲۰} مجله‌ی بانوان شیعه، ۱۳۸۴، ش ۴.

^{۲۱} أبو العیناء، محمد بن قاسم بن خلاد؛ اصلش از یمامه و متولد ۱۹۱ هجری در اهواز است. از فصحا، شعراء و ادبای عصر خویش بوده، در سن ۴۰ سالگی چشمان خود را از دست داده و در سال ۲۳۳ از دنیا رفته است. (اللعمعة البيضاء فی شرح خطبة الزهراء، ص ۳۱۹)

^{۲۲} بلاغات النساء، ص ۱۲.

^{۲۳} بلاغات النساء، ص ۱۲.

^{۲۴} معجم الادباء، ج ۶، ص ۲۶۰۳.

تسنن رسیده، طریقه‌ی حرکت حضرت فاطمه(س) به مسجد، آویخته شدن پرده و سایر جزئیات و مقدمات خطبه نیز به تصویر کشیده شده‌است.^{۲۵} البته نباید از نظر دور داشت که سخنان فاطمه‌ی زهرا(س) در خطبه‌ی فدکیه، توسط پاره‌ای از کلام امیر المؤمنین تأیید می‌شود^{۲۶} اما این مطلب دلیل بر صدور خطبه فدکیه از حضرت علی(ع) نیست بلکه خود دلیلی آشکار بر اعتبار محتوایی خطبه‌ی فدکیه است.

۲- جستجوی منابع خطبه‌ی فدکیه

گرچه حدیث پژوهان در تقدم و تأخر، پذیرش یا عدم پذیرش و درجه‌ی اهمیت قرائن اعتبار روایات اختلاف نظر دارند^{۲۷} اما همواره وجود روایت در منابع معتبری که مورد عمل صحابه و علمای برجسته‌ی اسلامی است، از جمله دلایل اعتبار روایت به شمار رفته است؛ بسیاری از اهل تسنن، روایات موجود در صحیحین را اصح احادیث دانسته و سایر صحاح را در رتبه‌های بعدی قرار داده‌اند.^{۲۸} گروهی از شیعیان نیز روایات موجود در منابع همانند اصول قابل اعتماد^{۲۹} و کتب اربعه را محکوم به قطعیت^{۳۰} و یا حجیت^{۳۱} می‌دانند. منابع متعددی از میان کتب روایی-تاریخی شیعی و سنی به نقل خطبه‌ی فدکیه پرداخته‌اند تا جایی که برخی تعداد این منابع را تا ۳۶۰^{۳۲} و برخی دیگر تا ۱۱۲ اثر^{۳۳} شماره کرده‌اند. این منابع گاه خطبه را به طور کامل و گاه بخشی از آن را نقل کرده، گاه همراه با سند و منبع و گاه بدون آن به نقل خطبه فدکیه پرداخته‌اند، بعضی از این منابع موجود و پاره‌ای از آنها تنها گزارشی از آنها به ما رسیده است. در ذیل تنها به بخشی از مهمترین این منابع اشاره شده است.

الف- منابع امامیه

گفته شده که کهن‌ترین کتاب مستقل که به ثبت خطبه فدکیه پرداخته، "خطبه الزهرا" نوشته‌ی "ابو مخنف ازدی"^{۳۴} (م ۱۵۷ق) است.^{۳۵} کتاب مذکور در حال حاضر در دسترس نیست و منبع یا منابعی که به طور مستقیم

^{۲۵} در آینده بخشهایی از متن خطبه آورده خواهد شد که جملگی می‌تواند از قرائن صدور آن از حضرت فاطمه سلام الله علیها باشد.

^{۲۶} در بررسی محتوایی و در اقدامات ناشایست... بخش کوچکی از آن آورده خواهد شد.

^{۲۷} رک، وثوق صدوری و وثوق سندی و دیدگاه‌ها، ش ۱۹ و ۲۰.

^{۲۸} رک، اضواء علی السنه المحمدیه، ص ۳۱۲.

^{۲۹} نهایه الدرایه، ص ۱۷۰.

^{۳۰} الفوائد المدنیه و الشواهد المکیه، ص ۱۱۲.

^{۳۱} الوافیه فی اصول الفقه، ص ۱۶۶.

^{۳۲} زندگانی حضرت زهرا(س)، ص ۳-۵.

^{۳۳} زندگانی حضرت زهرا(س)، ص ۸۰۳.

^{۳۴} برخی در امامی بودن و تشیع وی تردید نموده‌اند. جعفریان، بی تا، ص ۱۳ ابو مخنف را از اصحاب حضرت علی علیه السلام و حسنین علیهما السلام دانسته‌اند، اما شیخ طوسی این مطلب صحیح را صحیح ندانسته‌است. (الفهرست، ص ۳۸۱)

این خطبه را از آن کتاب نقل کرده باشند، نیز یافت نشد، تا با مقایسه‌ی محتوای آن با خطبه فدکیه، بتوان در مورد مطابقت یا عدم مطابقتش با خطبه زهرا(س) اظهار نظر قطعی ارائه کرد اما با توجه به سند شیخ به این کتاب که در انتهای آن می‌نویسد: «عبدالرحمن بن جندب عن أبيه قال: خطب (أمير المؤمنين) عليه السلام... و ذكر الخطبة بطولها»^{۳۶} می‌توان نتیجه گرفت که "خطبه الزهرا"ی ابومخنف، خطبه فدکیه نبوده و از جمله خطب امیرمؤمنان و احتمالاً همان خطبه‌ی ۱۰۸ نهج البلاغه است که به جهت فصاحت و بلاغت فوق العاده‌ی آن، به "خطبه الزهرا"، شهرت دارد.

مسعودی در کتاب "مروج الذهب" (م ۳۴۶ق) به قصه فدک اشاره کرده و تفصیل خطبه را به کتاب "اخبار الزمان" و کتاب "اوسط" خود واگذار کرده است^{۳۷} از جمله منابع موجود که به نقل تفصیلی خطبه‌ی فدکیه پرداخته‌اند، می‌توان از دو کتاب "کتاب من لایحضره الفقیه"^{۳۸} و "علل الشرایع"^{۳۹} شیخ صدوق (م ۳۸۱ق) یاد کرد. شیخ صدوق فرازهایی از این خطبه را در دو کتابش آورده است. طبرسی (م ۵۴۸ق) نیز در کتاب "الاحتجاج" بابی را تحت عنوان "احتجاج فاطمه الزهراء(ع) علی القوم لما منعوها فدک و... گشوده و به نقل خطبه‌ی فدکیه پرداخته است^{۴۰}.

منابع دیگری که خطبه‌ی فدکیه را به تفصیل و با طرق متعدد نقل کرده‌اند، "الشافی فی الامامة" سید مرتضی (م ۴۳۶ق)^{۴۱}، "دلایل الامامة" (قرن پنجم ق)^{۴۲}، "الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف" سیدین طاووس (م ۶۶۴ق)^{۴۳} و "کشف الغمّة فی معرفة الائمة" اربلی (م ۶۹۲ق)^{۴۴} است. محدثان متأخر شیعی نیز این خطبه را، در تألیفات خود آورده‌اند؛ به عنوان نمونه می‌توان از "علامه

^{۳۵} نگاهی گذرا به اسناد و منابع مکتوب خطبه فدک، ص ۴۹.

^{۳۶} الفهرست، ص ۳۸۲-۳۸۱.

^{۳۷} مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۲، ص ۳۰۴.

^{۳۸} من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۶۸.

^{۳۹} علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۸۹.

^{۴۰} الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۳۱.

^{۴۱} الشافی فی الامامة، ج ۴، ص ۶۹-۷۶.

^{۴۲} برخی این کتاب را منقولات محمد بن جریر طبری سنی مذهب دانسته‌اند انصاری، ۱۳۷۳، مجله کیهان اندیشه شماره ۵۸ و لذا شاید

بتوان آن را از منابع اهل تسنن شماره نمود.

^{۴۳} دلایل الامامة، ص ۱۰۹-۱۲۲.

^{۴۴} الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، ص ۲۶۳-۲۶۴.

^{۴۵} کشف الغمّة فی معرفة الائمة، ج ۲، ص ۳۲.

مجلسی " یاد نمود که در "بحار الانوار" خطبه‌ی مذکور را با طرق متعدد از منابعی گوناگون نقل کرده است.^{۴۶}

ب- منابع غیر امامیه

ذکر خطبه‌ی فدکیه در کتب روایی و تاریخی متعدد و با طرق مختلف اهل تسنن به تنهایی می‌تواند مدرکی بر اصالت این روایت باشد. از جمله کتب اهل تسنن که به نقل خطبه‌ی فدکیه پرداخته‌اند، "المنثور و المنظوم" احمد بن ابی طاهر طیفور (م ۲۸۰ ق) است که از شاعران و تاریخ نگاران اهل تسنن به شمار می‌رود. قسمت اعظم این کتاب از میان رفته^{۴۷} اما بخش یازدهم آن با عنوان "بلاغات النساء" به چاپ رسیده که در این بخش سخنان بلیغ، جوابیه‌ها و اخبار زنان جمع آوری شده^{۴۸} و تحت عنوان "کلام فاطمه بنت رسول الله ص" خطبه‌ی فدکیه به تفصیل نقل شده است.^{۴۹}

منبع دیگر "السقیفه و فدک" احمد بن عبد العزیز جوهری (م ۳۲۳ ق) است.^{۵۰} ابن ابی الحدید معتزلی در شرح نهج البلاغه در ذیل نامه‌ی ۴۵ تحت عنوان "ذکر ما ورد من السیر و الأخبار فی امر فدک" و در فصل اول بحث با عنوان "فیما ورد من الأخبار و السیر- المنقولۀ من أفواه أهل الحدیث و کتبهم- لا من کتب الشیعۀ و رجالهم" این خطبه را با ذکر سند، به نقل از جوهری آورده است.^{۵۱}

ابو الفرج اصفهانی (م ۳۵۶ ق) در "کتاب کلام فاطمه فی فدک" نیز مستقلاً به نقل این خطبه پرداخته^{۵۲} و گر چه از این کتاب اثری بر جای نمانده است، اما مؤلف زیدی مذهب آن، در کتاب "مقاتل الطالبین" در ذیل شرح حال "عون بن عبد الله بن جعفر بن ابی طالب" به این خطبه اشاره کرده و می‌نویسد: مادر عون، زینب دختر علی بن ابی طالب است و زینب همان کسی است که ابن عباس کلام فاطمه در فدک را از وی نقل کرده و می‌گوید: «حدثنی عقيلتنا زينب بنت علي عليه السلام»^{۵۳} ابن مردويه (م ۴۱۰ ق) نیز در کتاب «مناقب علی بن ابی طالب» این خطبه را نقل کرده است.^{۵۴}

علاوه بر منابع شیعی و سنی که به ذکر این خطبه پرداخته‌اند، بسیاری از علما از دیر باز به شرح مفاهیم و

^{۴۶} بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۲۱۵ به بعد.

^{۴۷} الذریعۀ، ج ۳، ص ۱۴۲.

^{۴۸} بلاغات النساء، ص ۳.

^{۴۹} همان، ص ۲۲.

^{۵۰} السقیفه و فدک، ج ۱، ص ۱۴۰.

^{۵۱} کتاب "السقیفه و فدک" موجود در واقع نقلهای ابن ابی الحدید، از آن کتاب است که با تلاش محمدهادی امینی جمع آوری شده است.

^{۵۲} شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۲۱۱.

^{۵۳} الذریعۀ، ج ۱۸، ص ۱۰۹.

^{۵۴} مقاتل الطالبین، ص ۶۰.

^{۵۵} مناقب علی بن ابی طالب، ص ۲۰۱.

متن خطبه‌ی فدکیه اهتمام داشته‌اند و از آنجا که تحلیل محتوا فرع بر پذیرش اعتبار روایت است، می‌توان گفت که شارحان این خطبه به اعتبار و صحت صدور آن معتقدند و البته هر یک از این شروح خود به عنوان منبعی برای این خطبه به شمار می‌روند. از جمله‌ی شروح خطبه‌ی فدکیه می‌توان به "شرح خطبه‌ی اللمة"^{۵۶} ابن عبدون (م ۴۲۳هـ) اشاره کرد که از مشایخ نجاشی^{۵۷} و شیخ طوسی^{۵۸} است. همچنین می‌توان از شروح دیگری از جمله "الروضه‌ی الزهراء فی تفسیر خطبه‌ی الزهراء" اثر احمد بن محمد خزاعی نیشابوری (قرن پنجم)، "کشف المحجبه فی شرح خطبه‌ی اللمة" نوشته‌ی علامه سید عبدالله شبر (م ۱۲۴۲ق)، "اللمعة البیضاء" تألیف محمد علی بن احمد قراچه داغی تبریزی انصاری (م ۱۳۱۰ق) و شرح محمد تقی بن سید بن اسحاق قمی (م ۱۳۴۴ق) تحت عنوان "الدرة البیضاء"^{۵۹} نیز یاد کرد.^{۶۰}

۳- بررسی و تحلیل طرق خطبه‌ی فدکیه

همواره بررسی و تحلیل سندی یکی از مهمترین شیوه‌های نقد روایات به شمار رفته‌است؛ طرق متعدد، روایان مورد اعتماد، نقل روایت توسط افراد خاص، می‌تواند از جهات اعتبار سند روایت باشد.

الف- طرق متعدد

محدثان معتقدند که متابع و شاهد داشتن از جمله قرائن وثوق روایت به شمار می‌رود؛ متابع حدیثی است که برخی روایات آن با روایان حدیث دیگر که همان مضمون را نقل کرده‌اند، یکسان باشند^{۶۱} و شاهد در اصطلاح علم حدیث به روایتی گفته می‌شود که متن آن با روایت دیگر یکسان اما سلسله سندش متفاوت باشد.^{۶۲} به تعبیر ساده‌تر می‌توان گفت که هر چه روایتی با اسناد بیشتری نقل شود، به ویژه اگر ناقلان آن از فرق مختلف باشند، درجه‌ی اعتماد و اطمینان به روایت افزون می‌شود.

^{۵۶} علی الظاهر "خطبه اللمة" همان خطبه فدکیه باشد؛ علامه شبر نیز در کتاب خود، خطبه فدکیه را خطبه اللمة نامیده است گر چه صاحب الذریعه در توصیف این خطبه در ذیل عنوان "شرح خطبه اللمة" آورده است: «هی خطبه فاطمة الزهراء (ع) فی المسجد فی اللمة من النساء» (فهرس اسماء مصنفی الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۲۴) و از ظاهر کلام او بدست می‌آید که خطبه‌ای غیر از فدکیه باشد اما وی در ذیل عنوان "خطبه اللمة" می‌نویسد: این خطبه حضرت زهرا (س) است که دارای شروح فراوانی است و ابن ابی الحدید در ذیل شرح نامه امام (ع) به عثمان بن حنیف آن را از جوهری نقل کرده است. (همان، ج ۷، ص ۲۰۵) و ابن ابی الحدید در شرح این نامه به نقل ماجرای فدک و خطبه فدکیه پرداخته است. (شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۲۱۱ به بعد)

^{۵۷} فهرس اسماء مصنفی الشیعه، ص ۸۷.

^{۵۸} رجال الطوسی، ص ۴۱۳.

^{۵۹} فهرس اسماء مصنفی الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۲۴.

^{۶۰} همان، ج ۸، ص ۹۲ - ۹۳.

^{۶۱} همان، ج ۱۳، ص ۲۱۵.

^{۶۲} علم الحدیث و درایه الحدیث، ص ۶۳ - ۶۲.

^{۶۳} همان، ص ۶۳ - ۶۲.

خطبه‌ی فدکیه‌ی حضرت زهرا(س) با طرق متعددی نقل شده و برخی تا ۲۵ سند این خطبه را شماره نموده‌اند.^{۶۴} این خطبه در هر طبقه حداقل توسط ۴ راوی نقل شده که اگر آن را متواتر ندانیم، قطعاً مستفیض است که از جهت اعتبار در رتبه‌ی پس از متواتر قرار دارد. علامه مجلسی در مورد طرق متعدد خطبه فدکیه می‌نویسد: این خطبه از خطب مشهوری است که خاصه و عامه آن را با طرق متضافره، نقل کرده‌اند.^{۶۵} نویسنده "لمعة البیضاء" نیز بر همین امر تأکید کرده است.^{۶۶}

ب- اسناد معتبر

از دیرباز یکی از قرائن اصلی احراز صحت صدور روایت، اعتبار سند آن بوده است؛ آیت الله خویی در «معجم رجال الحدیث» پس از نقل طریق شیخ صدوق به خطبه‌ی فدکیه، به بیان صحت سندی آن و تفصیل ادله‌ی آن پرداخته است^{۶۷} و لذا در این بخش برای جلوگیری از اطاله‌ی کلام از بررسی مجدد این سند خطبه صرف نظر شده^{۶۸} و از میان اسناد متعدد آن، یکی از طرق اهل تسنن مورد واکاوی و تدقیق قرار گرفته است. در کتاب "مناقب علی بن ابی طالب" نوشته‌ی ابن مردویه، سند روایت چنین آمده است:

«ابن مردویه، أخبرنا عبد الله بن اسحاق، أخبرنا محمد بن عبید، أخبرنا محمد بن زیاد، أخبرنا شرقی بن قمامی عن صالح بن کیسان عن الزهري عن عروة عن عائشة أنها قالت: لما بلغ فاطمة عليها السلام ان أبا بكر أظهر منعها فدك...»^{۶۹}

سیدبن طاووس نیز در کتاب «الطرائف» خود که در آن به اثبات حقانیت شیعه با ادله‌ی اهل تسنن می‌پردازد، این سند را آورده و لذا در بررسی این سند گاه جهت تکمیل و متمیم مطلب نظرات ایشان نیز استطراداً مطرح شده است؛

ذهبی، صاحب کتاب مناقب، "أبو بكر أحمد بن موسى بن مردويه الأصفهاني" را با تعبیر "حافظ ثبت" توصیف کرده^{۷۰} و دقت او را در استخراج روایات صحیح بخاری ستوده است.^{۷۱} سیدبن طاووس نیز در ضمن نقل این سند، ابن مردویه را در نزد اهل تسنن قابل اعتماد معرفی کرده و نوشته است: «الشيخ المعظم عندهم.

^{۶۴} نگاهی گذرا به اسناد و منابع مکتوب خطبه فدک، ص ۵۸-۶۵

^{۶۵} بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۲۱۵.

^{۶۶} للمعة البیضاء فی شرح خطبة الزهراء، ص ۳۱۷.

^{۶۷} معجم رجال الحدیث، ج ۴، ص ۱۰۲-۱۰۳.

^{۶۸} رج: به همان.

^{۶۹} مناقب علی بن ابی طالب، ص ۲۰۱.

^{۷۰} تذکره الحفاظ، ج ۳، ص ۱۰۵۰.

^{۷۱} همان، ج ۳، ص ۱۰۵۰-۱۰۵۱.

الحافظ، الثقة بينهم»^{۷۲}

شیخ ابن مردویه و دومین راوی سند مذکور مطابق با ثبت سیدبن طاووس در "الطرائف" "اسحاق بن ابراهیم بن عبدالله" است^{۷۳} که از ثقات به شمار می‌رود^{۷۴} اما همانگونه که ملاحظه می‌شود، در کتاب «المناقب» نام او "عبدالله بن اسحاق" ضبط شده که بغدادی او را با عبارت "فیه لین" توصیف کرده است.^{۷۵} "لین" فردی است که روایات او نوشته می‌شود اما باید در اعتبار روایاتش دقت کرد.^{۷۶} روایات چنین افرادی متروک نیست و این ذم به عدالت آنان لطمه‌ای وارد نمی‌کند.^{۷۷}

در ضبط نام راوی سوم در «المناقب» تصحیفی صورت گرفته و نام صحیح او "أحمد بن عبید بن ناصح النحوی" است؛ چرا که او از مروی‌عنه‌های "عبدالله بن اسحاق" است^{۷۸} و سیدبن طاووس نیز نام او را این گونه ثبت کرده^{۷۹} و ابن عدی او را "اهل صدق" خوانده^{۸۰} و ابن حبان او را از جمله ثقات دانسته است.^{۸۱} گرچه در مذمت او آمده است که روایات منکر نقل کرده و متابع بر روایات او وجود ندارد^{۸۲} اما از آنجا که روایت منکر روایتی است که متن آن مخالف روایت مشهور بوده و راوی آن غیرثقه است^{۸۳} و عدم وجود متابع بر روایت نیز به معنای تفرد در نقل روایات است^{۸۴}، بازگشت منقسه‌های مطروحه به برخی روایات و مروی‌عنه‌های "ابن عبید" است و گویا او در نقل روایات و اخذ راوی از شیخ حدیثی دقت نداشته و درست و نادرست را از ثقه و غیر ثقه نقل کرده است. اما این جرح موجب سقوط تمامی روایات او نخواهد شد و به وثاقت خودش خدشه‌ای وارد نمی‌کند و در این مقام نیز مشایخ و متن روایت مستقلاً مورد بررسی قرار می‌گیرد.

چهارمین راوی "زیادی، محمد بن زیاد" است که ذهبی او را "الامام الحافظ الثقة الجلیل" توصیف

^{۷۲} الطرائف فی معرفة مذاهب الطوائف، ص ۲۶۳-۲۶۴.

^{۷۳} همان، ص ۲۶۳-۲۶۴.

^{۷۴} تاریخ بغداد، ج ۶، ص ۳۸۶.

^{۷۵} تاریخ بغداد، ج ۹، ص ۴۲۱.

^{۷۶} منهج النقد فی الحدیث، ج ۱۰۶.

^{۷۷} التقیید و الايضاح شرح مقدمة ابن الصلاح، ص ۱۳۵.

^{۷۸} سیر أعلام النبلاء، ج ۱۵، ص ۵۴۳.

^{۷۹} الطرائف ص ۲۶۳-۲۶۴.

^{۸۰} الكامل فی ضعفاء الرجال، ج ۱، ص ۱۸۸.

^{۸۱} الثقات، ج ۸، ص ۴۳.

^{۸۲} تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۱۳-۱۴.

^{۸۳} علوم الحدیث و مصطلحه، ص ۲۰۳؛ نهاية الدراية، ص ۲۷۰.

^{۸۴} نخبة الفكر، ص ۳۱.

کرده^{۸۵} بنا براین او هم دارای وثاقت و هم دارای منزلت است. ابن حبان راوی پس از "زیادی"، "شرقی بن قطامی" را در کتاب "الثقات" خود از جملهی ثقات شمرده است.^{۸۶} "صالح بن کیسان" شیخ "شرقی" نیز در کتب اهل تسنن از جمله ثقات به شمار رفته^{۸۷} و "ابن حبان" در ترجمه‌ی او می‌نویسد: «کان من فقهاء المدينة والجامعین للحديث والفقہ من ذوی الهيبة والمروءة».^{۸۸} مراد از راوی او "زهری"^{۸۹} در سند این خطبه به قرینه‌ی راویان و مروی عنه‌ها، "محمد بن مسلم زهری" است که تابعی و ثقة است^{۹۰} و مروی عنه او "عروءة" در کتاب "معرفة الثقات" این چنین به وثاقت توصیف شده است: «عروءة بن الزبير بن العوام مدنی تابعی ثقة کان رجلاً صالحاً»^{۹۱}

در سند مذکور ناقل این روایت از فاطمه (س)، "عائشه" است که از صحابه رسول خدا (ص) و در نزد اکثر اهل تسنن از عدول روات است و لذا احراز وثاقت وی در نظر آنان نیازمند بررسی نیست.^{۹۲} در "الاصابة فی معرفة الصحابة" ابن حجر از قول شعبی نقل شده که هرگاه نزد مسروق روایتی از عائشه نقل می‌شد، می‌گفت: «حدثنی الصادقة بنت الصادق»^{۹۳}

بنابراین بیان شد، هیچ یک از راویان مذکور در سند مورد بحث، دارای مذمت قابل اعتنا نبوده و مورد تأیید عالمان رجالی سنی مذهب هستند و لذا سند این خطبه نزد آنان از اعتبار برخوردار است.

ج- وجود راویان خاص در سند

یکی از قرائن اعتبار روایات وجود راویان ویژه در اسناد روایات دانسته شده است؛ گروهی از حدیث پژوهان شیعی بر آنند که وجود راویان برجسته از جمله اصحاب اجماع در طریق روایات، قرینه‌ای بر صحت متن آنان است.^{۹۴} اکثر علمای اهل تسنن نیز تمامی صحابه رسول خدا (ص) را عادل و اقوال آنان را حجت

^{۸۵} سیر اعلام النبلاء، ج ۱۱، ص ۱۵۴.

^{۸۶} الثقات، ج ۶، ص ۴۴۹.

^{۸۷} معرفة الثقات، ج ۱، ص ۶۵.

^{۸۸} الثقات، ج ۶، ص ۴۵۴ - ۴۵۵.

^{۸۹} دریافت روایت "شرقی" از "محمد بن مسلم زهری" روایت الاکابر عن الاصاغر به شمار می‌رود. (رک: تهذیب الکمال، ج ۱۳، ص ۸۱ - ۸۴)

^{۹۰} معرفة الثقات، ج ۲، ص ۲۵۳.

^{۹۱} همان، ج ۲، ص ۱۳۳.

^{۹۲} تدریب الراوی، ص ۳۷۴.

^{۹۳} نخبه الفکر، ج ۸، ص ۲۳۳.

^{۹۴} وسایل الشیعه، ج ۲۰، ص ۸۱؛ الرواشح السماویة، ج ۱، ص ۴۵؛ الوافی، ج ۱، ص ۲۴؛ مقباس الهدایة، ج ۱، ص ۴۳۷؛ مستدرک الوسائل، ج ۱، ص ۵۸.

می‌دانند.^{۹۵}

وجود معصومان(ع) در سلسله اسناد خطبه‌ی فدکیه موجب افزایش اعتبار سندی این روایت شده‌است؛ در دومین و سومین سندی که در کتاب "دلایل الامامه" برای خطبه فدکیه ارائه شده، این روایت از طریق امام صادق(ع) از امام باقر(ع) از امام سجاد(ع) از حضرت زینب(س) گزارش شده است.^{۹۶} بنا بر این در سند این روایت سه معصوم قرار گرفته و از سوی دیگر زینب(س) که نقل این خطبه از او در منابع متعدد شیعی و اهل تسنن مشهور است^{۹۷} اگرچه از معصومان به شمار نمی‌روند اما شأن و منزلتشان بالاتر از آن است که با وثاقت و یا عدالت توصیف شوند.

تعدادی از راویان خطبه‌ی فدکیه، از جمله اصحاب اجماع هستند؛ "ابان بن عثمان"^{۹۸}، "محمد بن ابی عمیر"^{۹۹} و "احمد بن محمد بن ابی نصر"^{۱۰۰}، از جمله اصحاب اجماعی هستند که نامشان در اسناد خطبه فدکیه ثبت شده‌است.^{۱۰۱} بزرگان دیگری از جمله شیخ صدوق^{۱۰۲}، هارون بن موسی تلعبری^{۱۰۳} و برقی^{۱۰۴} و... نیز در اسناد خطبه فدکیه قرار گرفته‌اند.

در طرق اهل تسنن خطبه فدکیه، اصحابی همچون "عائشه بنت ابی بکر" و "عبدالله بن عباس" قرار دارند که در نزد آنان متصف به عدالت هستند و بسیاری از روایات قابل اعتماد اهل تسنن را نقل کرده‌اند.

۴- تحلیل محتوای خطبه‌ی فدکیه

مطابقت مضامین روایات با قرآن، سنت قطعی، عقل و نقل‌های متواتر یا متقن تاریخی از قرائن اعتبار محتوای متن روایات به شمار می‌رود.^{۱۰۵} اهل تسنن همخوانی روایت با قیاس را نیز به این موارد افزوده‌اند.^{۱۰۶} این بخش برای جلوگیری از اطاله‌ی کلام تنها به بررسی مضامینی از خطبه‌ی فدکیه پرداخته شده که از سوی

^{۹۵} تدریب الراوی، ص ۳۷۴.

^{۹۶} دلایل الامامه، ص ۱۰۹.

^{۹۷} علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۸؛ من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۶۸؛ شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۶، ص ۲۱۱.

^{۹۸} دلایل الامامه، ص ۱۰۹.

^{۹۹} علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۸.

^{۱۰۰} دلایل الامامه، ص ۱۰۹.

^{۱۰۱} حتی اگر متن تمامی روایات آنان را صحیح ندانسته نشود (معجم رجال الحدیث، ج ۱، ص ۱۸-۲۲) اما با قاطعیت می‌توان گفت که همگان بر وثاقت این افراد اتفاق نظر دارند.

^{۱۰۲} علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۸؛ من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۶۸.

^{۱۰۳} دلایل الامامه، ص ۱۰۹-۱۲۲.

^{۱۰۴} علل الشرایع، ج ۱، ص ۲۴۸.

^{۱۰۵} علم الحدیث و درایه الحدیث، ص ۱۰۸-۱۱۰.

^{۱۰۶} أثر علل الحدیث فی اختلاف الفقهاء، ج ۲، ص ۸.

گروهی با دیده‌ی تردید نگرینسته شده و می‌تواند موجب انکار صدور خطبه فدکیه از فاطمه (س) شود. این فرازها با روش تحلیل برون‌متنی و در قیاس با گزارشات اهل تسنن مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند.

پیش از پرداختن به محتوای خطبه فدکیه، مناسب است تا انتقادی که ممکن است در اذهان شکل گیرد و منجر به تردید در صدور این خطبه از فاطمه (س) شود، طرح گردد؛ گفته شده که این چنین خطبه‌خوانی با ویژگی‌های شخصیتی حضرت زهرا (س) سازگار نیست؛ چرا که زهرا (س) بانویی مخدره و جلیل‌القدر بودند، خروج ایشان از منزل، حضور در جمع نامحرمان، سخنوری با صدایی بلند و گریستن در مقابل آنان از آن حضرت بعید و با سیره‌ی اخلاقی-رفتاری ایشان در تعارض است. افزون بر آنکه حضرت زهرا (س) از اهد مردمان زمانه‌ی خویش بوده و چنین دل‌بستگی به دنیا که او را از منزل بیرون کشد و در جمع مهاجران انصار قرار دهد، بعید به نظر می‌رسد.^{۱۰۷}

در واکاوی اشکال مفروض باید به بیان دو امر پرداخت؛ نخست خطبه‌خوانی حضرت (س) و تعارضش با زهد ایشان و دوم خطبه‌خوانی و تعارضش با عفاف آن حضرت. در بیان مسئله‌ی نخست باید توجه نمود که شیوه‌ی خطبه‌خوانی حضرت (س) نه تنها با وقار و عفاف خاندان رسول (ص) در تعارض نبوده بلکه خود الگوی عملی عفاف بانوی مسلمان، هنگامه‌ی حضور در اجتماع به شمار می‌رود. در شرح ابن‌ابی‌الحدید طریقه‌ی حرکت کردن حضرت زهرا (س) به سمت مسجد، به روشنی به تصویر کشیده شده‌است:

«هنگامی که به فاطمه (س) خبر رسید که ابوبکر تصمیم گرفته تا مانع تصرف آن حضرت بر فدک شود، چادر خویش را پوشید و به همراه چند تن از بانوان، به طرف مسجد حرکت کرد. حرکت و راه رفتن ایشان همانند راه رفتن پیامبر (ص) بود و هنگامی که به مسجد و نزد ابو بکر رسید، انبوه مهاجران و انصار حاضر بودند. میان حضرت و آنان پرده‌ای سپید قبطی آویخته شد...»^{۱۰۸}

وقار حضرت زهرا (س) در حرکت به سوی مسجد و در میان جماعتی از زنان، نشان از آن دارد که حرکت ایشان یک حرکت هیجانی و احساساتی نبوده، بلکه اقدامی حساب شده و برنامه‌ریزی شده‌ای بوده‌است. بنابراین آنچه آمد نه تنها ایراد خطبه‌ی فدکیه با متانت حضرت (س) در تضاد نیست بلکه سندی برای کمال وقار آن حضرت است. قابل توجه است که این طریقه حضور و گام برداشتن زهرا (س) با سایر منقولات سیره‌نویسان سنی مذهب سازگاری دارد؛ ابن‌حجر عسقلانی در "الاصابه" آورده‌است: «عایشه می‌گوید که حضرت فاطمه (س) همانند حضرت رسول الله (ص) راه می‌رفت و رسول خدا (ص) فرمود: مرحبا به دخترم»^{۱۰۹} در روایات دیگری نیز عایشه و انس بن‌مالک، فاطمه (س) را شبیه‌ترین فرد به رسول خدا (ص)، در دینداری،

Commented [n1]: به منبع اصلی ارجاع دهید

جواب: منبع دیگری یافت نشد. در شرح خطبه نیز این مطلب بدون منبع آمده و لذا جملات تصحیح شد.

^{۱۰۷} للمعة البيضاء فی شرح خطبة الزهراء، ص ۳۲۱-۳۲۲.

^{۱۰۸} شرح ابن‌ابی‌الحدید، ج ۱۶، ص ۲۱۱.

^{۱۰۹} ابن‌حجر، ۱۴۱۵، ص ۲۶۵ - ۲۶۶

نشستن و راه رفتن معرفی نموده‌اند.^{۱۱۰}

اما در مسئله‌ی تعارض خطبه‌خوانی با زهد حضرت زهرا(س) باید گفته شود که "إن الضرورات تبيح المحذورات"^{۱۱۱} غصب فدک، درخواست حضرت (س) در بازگرداندن فدک، خودداری از بازگرداندن آن، همگی از ضرورت حضور و خطبه‌خوانی زهرا(س) نشان داشت تا حجت بر همگان تمام شود و عذری در یاری نرساندن به فاطمه(س) باقی نماند. ضمن آنکه فدک منبع مالی قابل توجهی بود که می‌توانست پس از حضرت زهرا(س) در اختیار فرزندان ایشان قرار گیرد و در راه تبلیغ دین حق مورد استفاده قرار گیرد و لذا کوتاهی در بازپس ستاندن آن به گونه‌ای موجب تضییع حقوق اهل بیت(ع) می‌شد و با این نگاه می‌توان ادعا کرد که تلاش حضرت برای باز ستاندن فدک، به جهت علاقه‌ی حضرت فاطمه(س) به دنیا نبود^{۱۱۲} بلکه دفاع از حقوق عترت پیامبر(ص) به شمار می‌رفت. افزون بر آنکه ورود حضرت زهرا(س) به ماجرای فدک و خطبه‌خوانی ایشان، صرفاً به منظور ستاندن زمینی غصب شده نبود بلکه همانگونه که خواهد آمد^{۱۱۳} نوعی دفاع از حقانیت علی(ع) بود و لذا اقدام ایشان نه از باب ضرورات بلکه ایفای واجب الهی است.

الف- خلافت امیرمؤمنان(ع)

از جمله مسائلی که در خطبه‌ی فدکیه مکرر به آن تصریح شده، خلافت و جانشینی پس از حضرت رسول(ص) است. حضرت زهرا(س) در جای جای خطبه‌ی فدکیه، جانشینی امیرمؤمنان(ع) و وجوب اطاعت از اهل بیت(ع) را به مردم گوشزد کرده‌اند.

«آنگاه که خداوند برای پیامبرش خانه انبیاء و آرامگاه اصفیاء را برگزید، در میان شما علائم نفاق ظاهر شد ... شما از غصب کنندگان هستید. پس بر شتران دیگران نشان زدید و بر آبی که سهم شما نبود وارد شدید.»^{۱۱۴}

«آگاه باشید که شما را می‌بینم در حالیکه به تن‌آسانی جاودانه دل داده و کسی را که سزاوار زمامداری بود، دور ساخته‌اید.»^{۱۱۵}

^{۱۱۰} المعجم الاوسط، ج ۴، ص ۲۴۲؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۱۶۴.

^{۱۱۱} المفید، ج ۳۶، ص ۱۰۲.

^{۱۱۲} اللمعة البيضاء فی شرح خطبة الزهراء، ص ۳۲۲-۳۲۵.

^{۱۱۳} رج: به تحلیل محتوا بخش خلافت امیرمؤمنان(ع).

^{۱۱۴} الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۳۶.

^{۱۱۵} همان.

«پس خلافت را بگیری ولی بدانید که پشت این شتر خلافت زخم و پای آن سوراخ و تاول دار است. ننگش باقی و نشان از غضب خدا و ننگ ابدی دارد و به آتش شعله‌ور خدا که بر قلبها احاطه می‌یابد، متصل است.»^{۱۱۶}

عباراتی همچون «نشان زدن بر شتر دیگران»، «وارد شدن بر آبی که سهم آنان نبود»، «دور ساختن کسی که شایسته‌ی زمامداری است» به وضوح بر لزوم فرمانبری از امیرالمؤمنین(ع) و حقانیت ایشان در امر خلافت و غضب خلافت اشاره دارد. وجود چنین فرازهایی در خطبه‌ی فدکیه می‌تواند یکی از دواعی مهم عده‌ای از مخالفان مکتب اهل بیت(ع) در انکار خطبه‌ی فدکیه و خدشه در اعتبار آن باشد. در حالی که روایات فراوانی^{۱۱۷} در منابع حدیثی اهل تسنن موجود است که به صراحت بر لازم الاجرا بودن اوامر حضرت علی(ع) دلالت دارد؛ همچون «من أطاعنی فقد أطاع الله عز وجل ومن عصانی فقد عصی الله ومن أطاع علیاً فقد أطاعنی ومن عصی علیاً فقد عصانی»^{۱۱۸} و شواهد و مستندات حقانیت خلافت امیرالمؤمنین(ع) به نص رسول خدا(ص) تا حدی فراوان است^{۱۱۹} که انکارناپذیر است؛ واضحترین آنها در حدیث متواتر غدیر یافت می‌شود که در منابع متعدد روایی اهل تسنن و با طرق متعدد نقل شده است^{۱۲۰} و مسلم است هنگامی که خلافت حق امیرالمؤمنین(ع) باشد، جانشینی دیگران چیزی جز غضب نیست.

ب- تسریع در انتخاب خلیفه به بهانه‌ی جلوگیری از فتنه

حضرت زهرا(س) در یکی از فرازهای خطبه‌ی فدکیه می‌فرماید:

«هَذَا وَالْعَهْدُ قَرِيبٌ وَالْكَلِمُ رَحِيبٌ، وَالْجِرْحُ لَمَّا يَنْدَمَلُ، وَالرَّسُولُ لَمَّا يَقْبَرُ، ابْتَدَارَا زَعْمَتَمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ، الْاِ فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا»^{۱۲۱} این در حالی بود که زمانی نگذشته بود و موضع شکاف زخم هنوز وسیع بود و جراحی التیام نیافته و پیامبر به قبر سپرده نشده بود. بهانه آوردید که از فتنه می‌هراسید، آگاه باشید که در فتنه قرار گرفته‌اید.

در این فراز از خطبه به دو مسئله‌ی اشاره شده است؛ شتابزدگی صحابه در انتخاب خلیفه پس از رسول خدا(ص) و عذرتراشی آنان که علت این شتابزدگی جلوگیری از ایجاد فتنه در امت اسلامی بوده است.

^{۱۱۶} همان.

^{۱۱۷} موارد دیگر را بنگرید در: مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۰۹؛ کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۱۲؛ مناقب علی بن ابی طالب، ص ۶۰؛ کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۱۹.

^{۱۱۸} الکامل فی ضعفاء الرجال، ج ۴، ص ۳۴۹؛ کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۱۴.

^{۱۱۹} افزون بر آنکه در روایات دیگری نیز این امر به صراحت بیان شده است. رج: مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۴۰؛ کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۰۲؛ المعجم الکبیر، ج ۴، ص ۱۷۲؛ کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۰۴ - ۶۰۵؛ مناقب علی بن ابی طالب، ص ۱۰۱؛ کنز العمال، ج ۱۱، ص ۶۱۰؛

^{۱۲۰} مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۳۷۲؛ سنن نسایی، ص ۱۵۰؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۳؛ مستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۰۹.

^{۱۲۱} الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۳۸.

این مطلب توسط منابع اهل سنت تأیید می‌شود؛ بخاری در صحیح خود روایت کرده که در هنگامه‌ی انتشار خبر وفات پیامبر (ص) بیشتر انصار در سقیفه بنی‌ساعده جمع شدند.^{۱۲۲} در برخی منابع آمده است که انصار در توجیه این شتابزدگی ترس خود از حاکمیت افرادی که آباء و اجدادشان توسط آنان کشته شده^{۱۲۳} و ایجاد درگیری و فتنه‌ها را مطرح کرده‌اند.

نکته دیگر آنکه مطابق با عبارت انتهایی این فراز از خطبه «الافی الفتنه سقطوا» و گواهی تاریخ اگر ادعای آنان در بیان انگیزه‌ی جلوگیری از فتنه واقعیت نیز داشته باشد اما با این شتابزدگی نه تنها تفرقه و فتنه در امت اسلامی را ریشه کن نشد بلکه خود به آن دامن زد.

ج- جنگاوری صحابه

در فرازی از خطبه‌ی فدکیه به گریختن عده‌ای از صحابه در نبردهای عصر رسول خدا (ص) اشاره شده است؛ «انتم فی رفاهیه من العیش و ادعون فاکهون آمنون»، و تَنكُصُونَ عِنْدَ النَّزَالِ وَ تَغْرُونَ مِنَ الْقِتَالِ شما در آن هنگام در آسایش می‌زیستید و از امنیت برخوردار بودید و چون جنگ شدت می‌گرفت، خود را کنار می‌کشیدید و هنگام کارزار فرار می‌کردید.^{۱۲۴}

گرچه این عبارات در بعضی از منابع اهل تسنن که به نقل خطبه فدکیه پرداخته‌اند، دیده نمی‌شود اما در کتاب "السقیفه و فدک" این مضامین با تعبیر دیگری بازگو شده است: «و انتم فی رفهینیه و رفعینیه و ادعون آمنون تتوکفون الاخبار و تنکصون عند النزال»^{۱۲۵} افزون بر آنکه ماجرای فرار گروهی از صحابه‌ی رسول خدا (ص) از جنگ علاوه بر شهرت، اسناد و مدارک متقنی دارد که انکار ناشدنی است؛ تعدادی از آیات قرآن به مسئله‌ی گریز گروهی افراد در نبردها پرداخته و فراریان از جنگ را به شدت مورد مذمت قرار داده است.^{۱۲۶} در منابع حدیثی، تاریخی و حتی تفسیری این واقعه با وضوح بیشتری به تصویر کشیده شده است؛ به عنوان نمونه می‌توان به نقل منابع اهل سنت از خلیفه دوم اشاره کرد که وی پس از قرائت آیه‌ی «إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ»^{۱۲۷} اعلام می‌دارد که هنگامه‌ی شکست در جنگ احد به بلندای کوهی گریخته است.^{۱۲۸} همچنین در کتاب «المغازی»، «تاریخ الامم و الملوک»، «الکامل فی التاریخ»،

^{۱۲۲} صحیح بخاری، ج ۸، ص ۲۶.

^{۱۲۳} کنز العمال، ج ۵، ص ۶۰۶.

^{۱۲۴} الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۳۶.

^{۱۲۵} السقیفه و فدک، ج ۱، ص ۱۴۱.

^{۱۲۶} از جمله آیه‌ی ۱۶ سوره‌ی انفال، وَ مَنْ يُولِهِمْ يُؤَمِّدُ دُبْرَهُ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِقِتَالٍ أَوْ مُتَحِيزًا إِلَىٰ فِتْنَةٍ فَغَدَّ بَاءٌ بِغَضَبٍ مِنَ اللَّهِ وَ مَا وَهَتْهُ جِهَتُهُمْ وَ بُسَّ الْمُصِيرِ.

^{۱۲۷} آل عمران: ۱۵۰.

^{۱۲۸} الدر المنثور، ج ۲، ص ۸۸؛ کنز العمال، ج ۲، ص ۳۷۶؛ الإكمال فی أسماء الرجال، ص ۱۲۲.

«المحرر الوجيز» و نیز شرح ابن ابی الحدید بر نهج البلاغه اسامی اصحابی که در جنگ احد گریختند ذکر شده و حتی در برخی از منابع آمده است که آنان چنان دچار ترس شده بودند که تا سه روز به مدینه باز نگشتند.^{۱۲۹}

دسرخورد ناشایست با اهل بیت رسول خدا(ص)

در فرازی از خطبه‌ی فدکیه، حضرت زهرا(س) می‌فرماید:

«ثُمَّ لَمْ تَلْبَثُوا إِلَّا رَيْثَ أَنْ تَسْكُنَ نَفَرْتَهَا، تُسْرُونَ حَسَوًا فِي ارْتِغَاءٍ، وَ نَحْنُ نَصْبِرُ مِنْكُمْ عَلَى مِثْلِ حَزِّ الْمَدَى، وَ أَنْتُمْ الْآنَ تَزْعُمُونَ أَنْ لَا إِرْثَ لَنَا.»^{۱۳۰} آنگاه آنقدر صبر نکردید تا دل داغدار من، آرام گیرد. به بهانه خوردن کف، شیر را زیر لب پنهان می‌خورید. ما باید بر این امور که همچون فرو رفتن خنجر است، صبر کنیم. این بخش از روایت در منابع شیعی با تفصیل بیشتری آورده است:

«آنگاه آنقدر صبر نکردید که دل داغدار من، آرام گیرد و تحمل آن(مصیبت) بر او سهل گردد. پس آتش‌گیره‌ها را افروخته‌تر کرده و برای اجابت ندای شیطان و خاموش کردن انوار دین روشن خدا و از بین بردن سنن پیامبر آماده بودید. به بهانه خوردن کف، شیر را زیر لب پنهان می‌خورید و در پشت تپه‌ها و درختان برای خانواده و فرزندان او کمین کرده بودید. ما باید بر این امور که همچون فرو رفتن خنجر و نیزه برآن، در میان شکم است، صبر کنیم.»^{۱۳۱}

همان مقدار ذکر شده در منابع اهل تسنن نیز نشانه‌ی حرمت شکنی و ظلم رفته بر حضرت زهرا(س) و نارضایتی ایشان نسبت به برخی از صحابه است، مؤیدات این امر را می‌توان در کلام امیرمؤمنان(ع) در نهج البلاغه یافت. آنجا که حضرت پس از به خاکسپاری حضرت زهرا(س) می‌فرماید: به زودی دخترت تو را آگاه خواهد ساخت که امتت در ستم کردن به وی اجتماع کرده بودند.^{۱۳۲} تاریخ نگاران اهل تسنن آورده‌اند که ابوبکر در اواخر عمرش از چند چیز اظهار پشیمانی کرد از جمله آنها بازرسی خانه‌ی حضرت زهرا(س) بود.^{۱۳۳} در کتاب «اعلام النساء» نیز آمده است: گروهی در خانه فاطمه(س) جمع شده بودند. ابوبکر،

^{۱۲۹} تاریخ الأمم و الملوك، ج ۲، ص ۲۰۳؛ الكامل فی التاريخ، ج ۲، ص ۱۵۸؛ المحرر الوجيز، ج ۱، ص ۵۳۰؛ شرح ابن ابی الحدید، ج ۱۵، ص ۲۳.

^{۱۳۰} همان، ج ۱۶، ص ۲۵۱.

^{۱۳۱} الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۳۸.

^{۱۳۲} شرح ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۲۶۶.

^{۱۳۳} تاریخ الأمم و الملوك، ج ۳، ص ۴۳۰.

عمر را نزد آنان فرستاد، عمر آنان را صدا زد و گفت: اگر از خانه بیرون نیاید، خانه را به آتش می‌کشم. به وی گفته شد که در خانه فاطمه است. جواب داد: گرچه در آن فاطمه باشد.^{۱۳۴} بنا بر آنچه ذکر شد، برخورد نامناسب و مخالف با شأنیت حضرت زهرا(س)، عدم حفظ حرمت ایشان بلافاصله پس از رحلت پیامبر(ص) قابل انکار نیست.

ه- پشیمانی از ظلم به خاندان نبوت

در فرازی از خطبه فدکیه آمده است: اینک این تو و این شتر، شتری مهارزده و رحل نهاده شده، برگیر و ببر با تو در روز رستاخیز ملاقات خواهم کرد. چه نیک داوری است خداوند و نیکو دادخواهی است پیامبر و چه نیکو وعده‌گاهی است قیامت و در آن ساعت و آن روز اهل باطل زیان می‌برند و پشیمانی به شما سودی نمی‌رساند، «وَلَا يَنْفَعُكُمْ إِذْ تَنْدُمُونَ»^{۱۳۵}

این کلام حضرت از پشیمانی آنان در آینده، از برخوردشان با خاندان نبوت، نشان دارد. گرچه پشیمانی کامل از ماجرای‌هایی که پس از رحلت رسول خدا(ص) اتفاق افتاد و موجب ظلم به یگانه فرزند ایشان شد، آن هم در فاصله‌ای کمتر از ده روز، در روز قیامت محقق خواهد شد اما شواهد تاریخی گواه بر آن است که ابوبکر در اواخر عمر از چند اقدام خویش ابراز پشیمانی کرد از جمله آنها ورود و تفتیش خانه‌ی زهرا(س) و دیگری پذیرفتن خلافت است.^{۱۳۶} ضیاء مقدسی که یکی از عالمان رجالی و حدیثی اهل تسنن است، می‌نویسد: «هذا حديث حسن عن ابي بكر الا انه ليس فيه شيء من قول النبي صلى الله عليه و سلم»^{۱۳۷}

در انتها توجه به این نکته ضروری می‌نماید که آنچه از مطالعه‌ی فرازها و مضامین خطبه فدکیه بدست می‌آید آن است که هدف فاطمه(س) از ایراد این خطبه، اعلام صریح و روشن نارضایتی از عملکرد غاصبان فدک و خلافت است. نارضایتی فاطمه(س) از خلیفه اول نیز همچون سایر عبارات خطبه، با توجه به منابع اهل تسنن، غیر قابل انکار است و مکرر توسط محدثان اهل سنت نقل شده است؛ «هنگامی که ابوبکر از حضرت رسول(ص) روایت «لا نورث ما ترکنا صدقة» نقل کرد، حضرت زهرا(س) غضبناک شد و از او دوری گزید و با وی تا زمانی که وفات نمود، صحبت نکرد»^{۱۳۸} در حالی که در صحیح بخاری آمده است که «ان رسول الله صلى الله عليه وسلم قال فاطمة بضعة مني فمن أغضبها غضبني»^{۱۳۹}

^{۱۳۴} اعلام النساء، ج ۴، ص ۱۱؛ السقیفه و الخلافة، ص ۱۴.

^{۱۳۵} الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۳۹.

^{۱۳۶} تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۱۳۷؛ تاریخ الأمم و الملوک، ج ۳، ص ۴۳۰؛ تاریخ الاسلام، ج ۳، ص ۱۱۸.

^{۱۳۷} الاحادیث المختارة، ج ۱، ص ۹۰-۹۱.

^{۱۳۸} صحیح بخاری، ج ۴، ص ۴۲؛ همان، ج ۵، ص ۸۲؛ صحیح مسلم، ج ۵، ص ۱۵۴؛ الثقات، ج ۱۱، ص ۱۵۳؛ مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۶.

^{۱۳۹} صحیح بخاری، ج ۴، ص ۲۱۰.

نتیجه گیری

بررسی های در این پژوهش نشان می دهد:

- ۱- خطبه های فدکیه در منابع معتبر شیعی از جمله در برخی از کتب اربعه و هم چنین در کتب کهن روایی - تاریخی اهل تسنن روایت شده و این روایت از جهت منبع معتبر است و قابل خدشه نیست.
- ۲- خطبه های فدکیه دارای طرق متعدد می باشد که می توان آن را مستفیض دانست.
- ۳- خطبه های فدکیه دارای سند معتبر نزد شیعه و اهل تسنن است.
- ۴- برخی روایات خطبه های حضرت زهرا (س) (معصومان (ع)، اصحاب اجماع و علمای بزرگ شیعه هستند و راویان قابل اعتمادی در میان اهل تسنن آن را روایت کرده اند.
- ۵- از آنجا که در منابع متعدد اهل تسنن به جانشینی امیر مومنان (ع) و لزوم اطاعت از ایشان، فرار عده ای از صحابه از جنگها، برخورد نامناسب با حضرت زهرا (س)، تسریع در انتخاب خلیفه به بهانه ای جلوگیری از فتنه، هبه بودن فدک و پشیمانی از ستاندن آن از حضرت زهرا (س) تصریح شده است، محتوای خطبه های فدکیه نیز قابل خدشه نبوده و توسط منقولات روایی- تاریخی اهل تسنن مورد تأیید است.

کتابنامه

۱. أثر علل الحدیث فی اختلاف الفقهاء، فحل، ماهر یاسین، بی جا، ۱۴۲۰ ق.
۲. الاحادیث المختارة او م استخرجه مما لم یخرجه البخاری و مسلم فی صحیحهما، مقدسی، ضیاء الدین، دار خضر للطباعة و النشر و التوزیع- بیروت، ۱۴۲۰ ق.
۳. الاحتجاج، طبرسی، احمد بن علی بن ابی طالب، تعلیق و ملاحظات: السید محمد باقر الخراسان، دار النعمان للطباعة و النشر- النجف الأشرف، ۱۳۸۶ ق.
۴. الاذکار النوویه، نووی، یحیی بن شرف، دار الفکر- بیروت، ۱۹۹۴ م.
۵. ارزیابی حدیث نحن معاشر الانبیاء لا نورث، بستانی، قاسم، مجله ی شیعه شناسی، شماره ی ۲۰، ۱۶، زمستان ۱۳۸۶،
۶. الإصابة فی تمیز الصحابه، عسقلانی، شهاب الدین بن حجر، تحقیق: الشیخ عادل أحمد عبد الموجود، الشیخ علی محمد معوض، دار الکتب العلمیة- بیروت، ۱۴۱۵ ق.
۷. اضواء علی السنة المحمدیة، ابوریه، محمود، نشر البطحاء، بی تا.
۸. اعلام النساء، کهان، عمر رضا، العقد الفرید - بیروت، ۱۴۰۴ ق.
۹. إكلیل المنهج فی تحقیق المطلب، خراسانی کرباسی، محمد جعفر بن محمد طاهر، تحقیق: السید جعفر الحسینی الاشکوری، دار الحدیث للطباعة و النشر- قم، ۱۴۲۵ ق.

۱۰. الإكمال فى أسماء الرجال، خطيب تبریزی، تحقیق: السيد جعفر الحسينى الاشكورى، دار الحديث للطباعة والنشر-قم، ۱۴۲۵ ق.
۱۱. امام على(ع) بزرگترین خطیب تاریخ، خراسانى، احمد سپهر، یادنامه کنگره هزاره نهج البلاغه، بنياد نهج البلاغه -قم، ۱۳۶۰ ش.
۱۲. بحار الأنوار، مجلسی، محمد باقر، تحقیق: یحیی العابدی الزنجانی و السيد کاظم الموسوی المياموی، دار إحياء التراث العربی-بیروت، ۱۴۰۳ ش.
۱۳. تاج العروس، زبیدی، تحقیق: علی شیری، دار الفكر - بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۱۴. تاریخ الاسلام. ذهبی، شمس الدين محمد بن احمد، تحقیق: عمر عبدالسلام تدمیری، دار الكتاب العربی-بیروت، ۱۴۰۷ ق.
۱۵. تاریخ الأمم و الملوك، طبری، محمد بن جریر، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم. دار التراث-بیروت، نوبت دوم، ۱۹۶۷ م.
۱۶. تاریخ یعقوبی، یعقوبی، احمد بن أبی یعقوب بن جعفر بن وهب، دار صادر-بیروت، بی تا.
۱۷. تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، ابو بكر احمد بن علی، تحقیق: مصطفى عبد القادر عطا، دار الکتب العلمیة-بیروت، ۱۴۱۷ ق.
۱۸. تدریب الراوی، سیوطی، جلال الدين، بیروت، دار الکتب العربی، ۱۴۱۷ ق.
۱۹. تذکره الحفاظ، ذهبی، شمس الدين محمد بن احمد، دار إحياء التراث العربی-بیروت، بی تا.
۲۰. ترجمه نهج البلاغه، خراسانى، احمد سپهر، انتشارات اشرفی-تهران، ۱۳۵۸ ش.
۲۱. تفسیر القرآن العظیم. ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن عمرو، تحقیق: محمد حسین شمس الدين، دار الکتب العلمیة-بیروت، ۱۴۱۹ ق.
۲۲. التقييد و الايضاح شرح مقدمه ابن الصلاح، حافظ عراقی، عبدالرحيم بن الحسين، دار الحديث-قم، بی تا.
۲۳. تهذيب الكمال، مزى، جمال الدين ابى الحجاج، تحقیق وضبط و تعليق: الدكتور بشار عواد معروف، مؤسسه الرساله-بیروت، ۱۴۰۶ ق.
۲۴. الثقاق، ابن حبان، محمد بن حبان بن احمد بن ابی حاتم، مؤسسه كتب الثقافه، مجلس دائرة المعارف العثمانیة-حیدرآباد هند، ۱۳۹۳ ق.
۲۵. جلوه های تاریخ در شرح ابن ابی الحديد، دامغانی، محمود، نشر نی-تهران، ۱۳۷۵ ش.
۲۶. حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، جعفریان، رسول، انصاریان-قم، بی تا.
۲۷. خاتمه مستدرک الوسائل، نوری طبرسی، حسین، چ اول، مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث - قم، ۱۴۱۵ ق.

٢٨. خصائص أمير المؤمنين(ع)، نسائي، تحقيق وتصحيح الأسانيد ووضع الفهارس: محمد هادي الأميني، مكتبة نينوى الحديثة - تهران، بي.تا.
٢٩. الدر المنثور في تفسير المأثور، سيوطي، جلال الدين، كتابخانه آية الله مرعشي نجفي - قم، ١٤٠٤ ق،
٣٠. دلائل الامامة، طبري، محمد بن جرير(شيعي)، مركز الطباعة والنشر في مؤسسة البعثة - قم، ١٤١٣ ق.
٣١. الذريعة، سيد مرتضى، علي بن الحسين، تحقيق: ابوالقاسم گرجي، انتشارات دانشگاه تهران - تهران، ١٣٤٨،
٣٢. الذريعة، طهراني، آقا بزرگ، دار الأضواء - بيروت، بي.تا.
٣٣. رجال الطوسي، طوسي، محمد بن حسن، تحقيق: جواد القيومي الإصفهاني، جامعه مدرسين - قم، ١٤١٥ ق.
٣٤. رسائل في دراية الحديث، حافظيان بابلي، أبو الفضل، دار الحديث للطباعة والنشر - قم، ١٤٢٤ ق.
٣٥. الرعاية في علم الدراية، عاملي، زين الدين بن علي بن احمد(الشهيد الثاني)، تحقيق: عبد الحسين محمد علي بقال، مكتبة آية الله العظمى المرعشي النجفي - قم المقدسة، نوبت دوم، ١٤٠٨ ق.
٣٦. الرواشح السماوية، ميرداماد، الرواشح السماوية، محمد باقر بن محمد حسيني استر آبادي، محقق: غلامحسين قيصريةها، نعمة الله الجليلي، ج اول، دار الحديث - قم، ١٤٢٢ ق،
٣٧. روح المعاني في تفسير القرآن العظيم. آلوسي، سيد محمود، تحقيق: علي عبدالباري عطية، دارالكتب العلمية - بيروت، ١٤١٥ ق،
٣٨. زندگانی حضرت زهرا(س) ترجمه بحار الانوار ج ٣، روحاني زمان آبادي، محمد، بي.تا،
٣٩. السقيفة و الخلافة، عبد المقصود، عبد الفتاح، دارالمحجة البيضاء - بيروت، ١٤٢٧ ق.
٤٠. السقيفة و فدك، جوهرى، احمد بن عبد العزيز، مكتبة نينوى - بغداد، بي.تا.
٤١. سنن الترمذى، ترمذى، ابو عيسى محمد بن عيسى بن سورة، تحقيق وتصحيح: عبد الرحمن محمد عثمان، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع - بيروت، ١٤٠٣ ق.
٤٢. سير أعلام النبلاء، ذهبى، شمس الدين محمد بن احمد، إشراف وتخرىج: شعيب الأرنؤوط، تحقيق: حسين الأسد، مؤسسة الرسالة - بيروت، نوبت نهم، ١٤١٣ ق.
٤٣. الشافى في الامامة، سيد مرتضى، علي بن الحسين، مؤسسة إسماعيليان - قم. نوبت دوم، ١٤١٠ ق.
٤٤. شرح نهج البلاغة، ابن أبي الحديد، عبد الحميد، دار إحياء الكتب العربية، مؤسسة مطبوعاتي إسماعيليان - قم، ١٣٧٨ ق.
٤٥. شواهد التنزيل، حاكم حسانى، تحقيق: الشيخ محمد باقر المحمودى، مؤسسة الطبع والنشر التابعة لوزارة الثقافة والإرشاد الإسلامى - مجمع إحياء الثقافة - بيروت، ١٤١١ ق.

٤٦. صحيح ابن حبان، محمد بن حبان بن احمد بن ابي حاتم، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، مؤسسة الرسالة - بيروت، ١٤١٤ ق.
٤٧. صحيح مسلم. نيشابوري، مسلم بن حجاج، بي. تا. دار الفكر - بيروت.
٤٨. صحيح البخاري، بخاري، محمد بن اسماعيل، دار الفكر للطباعة والنشر والتوزيع - قم، ١٤٠١ ق.
٤٩. طبري سوم و كتاب دلائل الامامة، انصاري، محمد رضا، مجله كيهان انديشه، شماره ٥٨، بهمن و اسفند ١٣٧٣ ش.
٥٠. الطرائف في معرفة مذاهب الطوائف، سيد بن طاووس، علي بن موسى، الخيام - قم، ١٣٩٩ ق.
٥١. علل الشرائع، صدوق، محمد بن علي بن بابويه، تحقيق: تقديم: السيد محمد صادق بحر العلوم. منشورات المكتبة الحيدرية ومطبعتها - النجف الأشرف، ١٣٨٥ ق.
٥٢. علم الحديث و درايه الحديث، مديرشانه چي، كاظم، دفتر انتشارات اسلامي - قم. نوبت سيزدهم. ١٣٧٧ ش.
٥٣. علوم الحديث و مصطلحه، صبحي صالح، تحقيق: توفيق بن محمد القريشي، دار العلم للملايين - بيروت، ١٩٨٤ م.
٥٤. فتح الباري، عسقلاني، شهاب الدين بن حجر، دار المعرفة للطباعة والنشر - بيروت، نوبت دوم. بي. تا.
٥٥. فتوح البلدان، بلاذري، أبو الحسن أحمد بن يحيى، دار و مكتبة الهلال - بيروت، ١٩٨٨ م.
٥٦. الفوائد المدنية و الشواهد المكيه، استرآبادي، محمد امين، موسسه نشر اسلامي - قم، ١٤٢٤ ق.
٥٧. فهرس اسماء مصنفى الشيعة، نجاشي، احمد بن علي، انتشارات جامعه مدرسين - قم، ١٤٠٧ ق.
٥٨. الفهرست، طوسي، محمد بن حسن، تحقيق: الشيخ جواد القيومي، مؤسسة نشر الفقاهة - قم، ١٤١٧ ق.
٥٩. قواعد التحديث من فنون مصطلح الحديث، قاسمي دمشقي، سيد محمد جمال الدين، دار الكتب العلمية - بيروت، ١٣٩٩ ق.
٦٠. الكامل في ضعفاء الرجال، جرجاني، احمد بن عدى، تحقيق دكتور سهيل زكار، دار الفكر - بيروت، ١٤٠٤ ق.
٦١. كشف الغمة في معرفة الاثمه (ع)، اربلي، علي بن عيسى، تصحيح: ابراهيم ميانجي، تهران: اسلاميه، بي. تا.
٦٢. الكامل في التاريخ، ابن أثير، عز الدين أبو الحسن علي بن ابي الكرم. بيروت: دار صادر، ١٣٨٥ ق.
٦٣. كنز العمال، متقى هندی، علي بن حسام الدين، ضبط و تفسير: الشيخ بكرى حيانى، تصحيح و فهرسة: الشيخ صفوة السقا، مؤسسة الرسالة - بيروت، ١٤٠٩ ق.
٦٤. لغت نامه دهخدا، دهخدا، علي اكبر، دانشگاه تهران - تهران، بي. تا.

٦٥. اللمعة البيضاء في شرح خطبة الزهراء، تبرزى انصارى، محمد على بن أحمد، مؤسسة الهادي-قم. ١٤١٨ ق.
٦٦. مجمع البحرين، طريحي، فخر الدين، تحقيق: سيد احمد حسيني، مكتب النشر الثقافة الاسلاميه، ١٤٠٨ ق.
٦٧. المحرر الوجيز، ابن عطيه اندلسي، دار الكتب العلميه-بيروت، ١٤١٣ ق.
٦٨. مروج الذهب و معادن الجواهر، مسعودي، أبو الحسن علي بن الحسين بن علي، تحقيق اسعد داغر، دار الهجره-قم. نوبت دوم. ١٤٠٩ ق.
٦٩. المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ابو عبدالله، تحقيق: إشراف: يوسف عبد الرحمن المرعشلي، بی جا، بی تا.
٧٠. مستدرکات علم رجال الحديث، نمازی شاهرودی، الشيخ علی، چاپ حیدری-تهران، ١٤١٥ ق.
٧١. مسند أبي يعلى، موصلي، أبو يعلى، تحقيق: حسين سليم أسد، دار المأمون للتراث-بيروت، ١٤٠٨ ق.
٧٢. مسند احمد، احمد بن حنبل، دار صادر-بيروت، بی تا.
٧٣. المعجم الأوسط، طبرانی، دار الحرمين للطباعة والنشر والتوزيع-القاهرة، ١٤١٥ ق.
٧٤. معجم البلدان حموي، شهاب الدين ابو عبد الله ياقوت، دار صادر-بيروت، نوبت دوم. ١٩٩٥ م.
٧٥. معجم الرجال و الحديث، الانصارى محمد، بی جا، بی تا.
٧٦. المعجم الكبير، طبرانی، دار احياء التراث العربی-بيروت، ١٤٠٥ ق.
٧٧. معجم رجال الحديث، خوئی، ابو القاسم. دار الزهراء-بيروت، نوبت پنجم. ١٤١٣ ق.
٧٨. معجم الادباء، شهاب الدين ابو عبد الله ياقوت، دار الغرب الاسلامی-بيروت، بی تا.
٧٩. معرفة الثقات، عجلي، احمد بن عبدالله بن صالح، مكتبة الدار-المدينة المنورة، ١٤٠٥ ق.
٨٠. معرفت، صيانه القرآن من التحريف، موسسه انتشاراتي التمهيد-قم. نوبت سوم. ١٤٢٥ ق.
٨١. المغازی، واقدي، محمد بن عمر، ترجمه محمود مهدوي دامغانی، مركز نشر دانشگاهی-تهران، نوبت دوم. ١٣٦٩ ش.
٨٢. المفردات في غريب القرآن، راغب اصفهانی، دارالعلم-بيروت، ١٤١٢ ق.
٨٣. المفصل في تاريخ العرب قبل الاسلام. جواد علی، بی جا، بی تا.
٨٤. المفيد من معجم رجال الحديث، جواهری، محمد، مكتبة المحلاتي-قم. نوبت دوم. ١٤٢٤ ق.
٨٥. مقاتل الطالبين، اصفهانی، أبو الفرج، تقديم وإشراف: كاظم المظفر، منشورات المكتبة الحيدرية ومطبعتها-النجف الأشرف، نوبت دوم. ١٣٨٥ ق.
٨٦. مقباس الهداية في علم الدراية مامقاني، عبد الله، انتشارات دليل ما-قم. ١٣٨٥ ش

٨٧. مقباس الهداية، مامقاني، عبد الله، محقق: محمد رضا مامقاني، مقدمه: شوشتری، ج اول، منشورات دليل ما-قم. ١٤٢٨، ق،
٨٨. من لا يحضره الفقيه، صدوق، محمد بن علي بن بابويه، تصحيح وتعليق: علي أكبر الغفاري، مؤسسة النشر الإسلامي التابعة لجماعة المدرسين-قم. بی تا.
٨٩. مناقب علي بن ابي طالب و ما نزل من القران في علي، ابن مردويه، احمد بن موسى، دار الحديث-قم. ١٤٢٤، ق،
٩٠. منهج النقد في الحديث، عتر، نورالدين، دار الفكر-دمشق، ١٤٠٦، ق.
٩١. نخبة الفكر، ابن طيفور، ابو الفضل بن ابي طاهر، بلاغات النساء، مكتبة بصيرتي-قم. بی تا.
٩٢. نگاهی گذرا به اسناد و منابع مکتوب خطبه فدک، آذربادگان، حسینعلی، مجله علوم حدیث، ش ٢٦، ١٣٨١ ش.
٩٣. نهاية الدراية، صدر، سيد حسن، تحقيق: ماجد الغرباوي، بی جا، بی تا.
٩٤. نهج البلاغه، سيد رضی، محمد بن الحسين، تحقيق: شرح: الشيخ محمد عبده، دار الذخائر-قم. ١٤١٢، ق.
٩٥. الوافي، ملا محسن فيض كاشاني، محمد بن مرتضى (ملا محسن)، مكتبة الامام امير المؤمنين علي ع - اصفهان، بی تا.
٩٦. الوافي في اصول الفقه، توني، عبدالله بن محمد، ١٤١٥، مجمع الفكر الاسلامي-قم.
٩٧. وثوق صدوري و وثوق سندی و دیدگاه ها، رباني، محمد حسن، مجله فقه، ش ١٩ و ٢٠، ١٣٧٣ ش.
٩٨. وسائل الشيعه، عاملی، محمد بن الحسن (شيخ حر)، تحقيق: شيخ محمد رازی، دار احیاء التراث العربی - بیروت، ١١٠٤، ق.